طهران

حضرت ابن ابهر علیه بهآء اللّه الأبهی

هواللّه

ای منادی میثاق مکتوبی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید در خصوص اختلاف در شئون بین بعضی از اولیای امور مرقوم نموده بودید که احبّا متحیّرند با این اختلاف چگونه حرکت نمایند احبّای الهی را کاری باختلاف و اتّفاق اولیای امور نه ابداً چنین اذکار را حتّی بزبان نباید برانند بر احبّای الهی اطاعت اوامر و احکام اعلیحضرت پادشاهیست آنچه امر فرماید اطاعت کنند و همچنین کمال تمکین و انقیاد بجمیع اولیای امور داشته باشند ولی در بین آنان اگر برودتی حاصل چه تعلّق باحبّای الهی دارد حافظ وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس مقصود اینست که احبّا نباید کلمه‌ئی از امور سیاسی بر زبان رانند زیرا تعلّق بایشان ندارد بلکه بامور و خدمات خویش مشغول شوند و بس در فکر آن باشند که بخدا نزدیک شوند و برضای الهی قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّا ذکری از امور حکومت و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آن شخص که از احبّای الهیست باید در جواب گوید ما را تعلّق باین امور نه ما رعیّت شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی صلاح مصلحت خویش خسروان دانند و بس امروز عالم انسانی محتاج تحسین اخلاقست و تربیت بنفحات اللّه و تأسیس بنیان محبّت و راستی و صلح و آشتی و حقیقت و درستی و الفت بین جمیع افراد انسانی باید خدمت باین امر مهم نمود امور دیگر را اهمّیّتی نه مداخلهٔ در امور حکومت و مذاکرهٔ در آن اهمّیّتی ندارد زیرا امر مهم آنست که ما ترویج مینمائیم و آن نورانیّت و راحت و آسایش عالم آفرینش است آیا جایز است در آن فتور نمائیم و بامور دیگر مشغول شویم لا واللّه علی‌الخصوص که بنصّ قاطع الهی ممنوع از مداخله و محاورهٔ در امور حکومتیم شما این مطلب را بجمیع احبّا تفهیم و توضیح نمائید این اذکار سروش غیبی و لسان غیبی ابداً جایز نه بکلّی اینگونه امور مباین رضای ربّ غفور است

امّا روزنامهٔ ثریّا در مصر بسیار سبب زحمت ما گشت در بدایت با علی محمّد خان بالاتّفاق این روزنامه را ایجاد نمودند بعد بهم زدند سبب عداوت میرزا علی محمّد خان شد روزنامهٔ پرورش احداث کرد و بجهت عداوت با صاحب ثریّا نهایت مذمّت را از احبّا علی‌الخصوص جناب آقا میرزا ابوالفضل نمود و در مجالس و محافل افترا و بهتان زیاد زد و حال آنکه ما ابداً تعلّق بهیچ روزنامه نداریم و مسلک ما تعلّق بروزنامه‌ها نیست روزنامه بالنّسبه بمقاصد روحانیّهٔ الهیّهٔ ما ملعبهٔ صبیانست روزنامه بجهت سیاسیّونست نه روحانیان بعد میانهٔ ثریّا و حبل‌المتین اختلاف آرا حاصل شد از آنوقت تا بحال صاحب حبل‌المتین بگمان آنکه صاحب ثریّا را تعلّقی در افکار سیاسیّه با ما لهذا نسبت باین امر نهایت تحریک و مذمّت را مینماید و آنچه از قلمش جاری میگردد مینگارد اگر چنانچه ممکن باشد که نسبت هر روزنامه‌ئی از امر منقطع گردد که ابداً مردم بدانند ما را ابداً با روزنامه‌ئی تعلّقی نه و در تقاریر تعلّقی بافکار ما ندارد بسیار خوب بود کار بجائی رسیده که من اسم روزنامه نمیخواهم بشنوم از بس که در مشکلات افتاده‌ام و حال آنکه ابداً تعلّق باین امور ندارم احبّا در هندوستان خواستند روزنامه‌ئی تأسیس نمایند منع نمودم در قفقاز خواستند تأسیس نمایند منع نمودم در اروپا خواستند تأسیس نمایند منع نمودم در امریکا خواستند تأسیس نمایند منع نمودم ولی در طهران متحیّرم زیرا اگر منع نمایم شاید نپذیرند والّا حکماً منع مینمودم وظیفهٔ ما ترویج نور مبین است یعنی آنچه سبب حصول کمالات و فضائل عالم انسانی و راحت و آسایش عالم وجود است بآن تشبّث کنیم نه بافکار و اذکاری که بهیچوجه در شرق ثمری ندارد علی‌الخصوص که ما تعلّقی بآن نداریم ما را روش مسلکی دیگر حال نفسی از احبّا اگر بخواهد در امور سیاسیّه در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره‌ئی بکند اوّل بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و

جمیع بدانند که تعلّق باین امر ندارد خود میداند والّا عاقبت سبب مضرّت عمومی گردد یعنی مسلک روحانی ما را بهم زند و احبّا را مشغول باقوالی نماید که سبب تدنّی و محرومی آنان گردد و علیک التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۷ اکتبر ۲۰۲۱، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر